



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس پنجشنبه بیستم مردادماه ۱۳۰۵ مطابق سوم شهر صفر ۱۳۴۵

جلسه ۳

غائبین بی اجازه آقایان میرزا ابراهیم خان قوام. میرزا سید احمد خان اعتبار. شریعت زاده. میرزا محمد تقی (ثقة الاسلام سابق). حاج میرزا حبیب الله امین. میرزا حسن خان اسفندیاری. میرزا حسین خان

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل. صورت مجلس روز قبل قرائت و تصویب گردید. غائبین با اجازه آقای مرتضی قلیخان بیات.

موقر روحی. علیخان حیدری. محمد ولیخان اسدی. میرمنانز. اسکندرخان مقدم.

راپرت شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقای یاسائی از سمنان مطرح و نظر به اینکه آقای فیروزآبادی مخالفت خود را که در جلسه قبل اظهار داشته بودند کتباً مسترد نموده بودند نسبت به آن اخذ رأی بعمل آمده تصویب گردید.

خبرشعبه اول راجع به نمایندگی آقای اسمعیل خان نجومی از آباده - و سه فقره راپرت از شعبه دوم راجع به نمایندگی آقایان آقاعلی زارع از جهرم - آقامیرزا مهدی معتمد از غار و فشافویه - میرزا محمدتقی ثقة الاسلام سابق از بروجرد و سه فقره از شعبه سوم راجع به نمایندگی آقایان میرزا صادقخان منتصر از دماوند - علیخان حیدری از ساوجبلاغ مکرری، محمد آخوند از طرف تراکمه و دو فقره از شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقایان: نوبخت از بهبهان - آقامیرزا ابراهیم اسام جمعه از اهر و پنج فقره از شعبه پنجم راجع به نمایندگی آقایان: حاج اسدآقا زوار از ترشیز - سیدزین العابدین از قومنت - میرزا محمد علیخان بامداد و میرزا ابراهیم خان قوام از شیراز و عطاءالله خان پالیزی از کرمانشاهان و دو فقره از شعبه ششم راجع به نمایندگی آقایان: حیدرقلی میرزا حشمتی از کمره و محلات میرزا یداللهخان از ساوجبلاغ قرائت و چون نسبت به نمایندگی آقای منتصر آقای آقاسید یعقوب و نسبت به نمایندگی آقای نوبخت آقای مدرس مخالف بودند سوکول به بعد و نسبت به بقیه فردا فرد اخذ رأی شده تصویب گردید.

پس از آن راپورت شعبه اول راجع به نمایندگی آقای مهدوی از مشهد و راپورت شعبه سوم راجع به نمایندگی آقای امیر تیمور کلالی از ترون و طبس و راپورت شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقای محمد تقی خان اسعد از دزفول مطرح و نسبت به هر یک جداگانه اخذ رأی بعمل آمده تصویب گردید.

راپورت شعبه اول راجع به نمایندگی آقای اسکندرخان مقدم از سراغه مطرح و آقای مدرس پیشنهاد نمودند کمیسیون تحقیقی

انتخاب و نسبت به این اعتبار نامه و سایر اعتبارنامه هائی که مورد مخالفت واقع شده رسیدگی نموده و به مجلس راپورت دهند به پیشنهاد ایشان رأی گرفته تصویب نگردد.

آقای بهار راجع به راپورت شعبه اول شرحی مشعر به مخالفت اظهار و عقیده شان این بود که شعبه صلاحیت ندارد نماینده راجعی نماینده که رد میکند به مجلس پیشنهاد نماید.

آقای آقامیرزا عبدالباقی پیشنهاد نمودند کمیسیون تحقیقی انتخاب و فقط راپورت راجع به نماینده سراغه به آن کمیسیون مراجعه شود و نسبت به پیشنهاد ایشان نیز رأی گرفته تصویب نشد. آقای فاطمی مخبرشعبه شرحی دفاعاً اظهار و نسبت به مفاد خبر شعبه اول راجع به نمایندگی آقای اسکندرخان مقدم اخذ رأی بعمل آمده تصویب گردید.

جلسه آتیه به روز بیست و دوم مردادماه چهار ساعت قبل از ظهر سوکول و دستور آن قرائت بقیه راپورت های شعب تعیین گردید. مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد.

آقای سید احمدخان اعتبار اظهار داشتند در صورت مجلس سراغی بی اجازه نوشته اند در صورتیکه از مقام ریاست کسب اجازه شده بود.

آقای بهار اظهار نمودند در ضمن نطق خود شرحی راجع به آراء چهاراویمانق اظهار نموده بودم در صورت مجلس ذکر کردی از آن نشده. و همچنین در موقع اخذ آراء به اعتبارنامه آقای مقدم عده برای اخذ رأی کافی نبوده است.

آقای رئیس اظهار نمودند تشخیص عده کافی با هیئت رئیسه است و با اینکه عده کافی برای رأی ۳۳ نفر میباشد در موقع اخذ رأی نسبت به اعتبارنامه ایشان عده ۳۵ نفر بوده است.

در جلسه یوم شنبه ۲۲ مردادماه صورت مجلس تصویب شد. رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین منشی سید ابراهیم ضیاء، منشی امیر تیمور کلالی

یوم پنجشنبه بیستم مرداد یک هزار و سیصد و پنج و چهل و پنج

(مجلس یک ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم چهارشنبه ۱۹ مرداد را آقای امیر تیمور کلالی قرائت نمودند)

رئیس - نسبت به صورت مجلس ایرادی نیست؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. در جلسه گذشته آقای فیروزآبادی نسبت به انتخاب آقای یاسائی از سمنان مخالفت کردند ولی کتباً شرحی سرقوم فرمودند که بعد از مراجعه بدوسیه مخالفت خودشان را مسترد داشتند و حالا رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای یاسائی از سمنان و دامغان آقایان موافقین قیام فرمایند.

اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه دوم راجع به نمایندگی آقای آقاعلی زارع از جهرم و توابع.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه سوم راجع به نمایندگی آقای (منتصرالسلطان) میرزا صادق خان نوری از دماوند و توابع.

(آقای شیروانی خبر مزبور را به ترتیب ذیل قرائت نمودند): شعبه سوم بدوسیه انتخابات و صورت مجلس حوزه انتخابیه

دماوند و اعتبارنامه آقای محمد صادقخان نوری منتصرالسلطان سابق را تحت مطالعه و شور و قرار داده و اینک نتیجه مطالعات و عقیده شعبه را به عرض مجلس شورای ملی میرساند. برحسب دستور وزارت

داخله مطابق ماده ۱۴۸ قانون انتخابات انجمن نظارت مرکزی دماوند مرکب از طبقات شش گانه و معتمدین محل تشکیل و سپس انجمن فرعی فیروزکوه و شعب آن را نیز تشکیل میدهد و پس از

انتشار اعلان در موقع مقرر قانونی از دوم خرداد الی هشتم در مرکز حوزه انتخابیه و نقاط فرعی آن مشغول به دادن تعرفه و اخذ آراء میشوند و از دهم الی هجدهم آراء مأخوذه را قرائت مینمایند نظر

باینکه در حوزه انتخابیه دماوند چندین نفر از متنفذین کاندیدا بوده بر اثر مبارزات شدید آنها در ضمن جریان انتخابات شکایات متضادی به مرکز رسیده و در نتیجه یک نفر مفتش از طرف وزارت داخله

به مرکز حوزه انتخابیه رفته و به اعتراضات خاتمه داده انتخابات را به محور قانونی خود میاندازد در ضمن رسیدگی بدوسیه دماوند شکایاتی نیز به شعبه واصل شده است که به واسطه فقدان مدارک

قانونی مورد تصدیق واقع نگردیده و شعبه سوم جریان قانونی انتخابات دماوند و صحت نمایندگی آقای میرزا صادق خان نوری منتصرالسلطان سابق را که با کثرت ۲۷۸۶ رأی از ۷۶۳۴ رأی

از دماوند انتخاب شده اند تصدیق مینماید.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه).

آقاسید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - مینماید برای جلسه آتیه. خبر از شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقای نوبخت از بهبهان.

(آقای افشار حاضر و خبر فوق را بمضمون ذیل قرائت نمود)

به تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۰۴ برطبق ماده ۱۴ قانون از طرف حکومت حوزه انتخابیه بهبهان از طبقات شش گانه و معتمدین محل یک عده ۳۶ نفری برای تعیین هیئت نظارت دعوت پس از

حضور مدعوین موافق مواد ۱۵ و ۱۶ قانون انتخاب اعضای اصلی و علی البدل و هیئت عامه بعمل آمده و سپس برطبق ماده ۲۱

اعلان انتخابات از طرف هیئت نظارت منتشر و از روز سه شنبه نهم فروردین الی یوم سه شنبه شانزدهم شهر مزبور مدت برای توزیع تعرفه و اخذ آراء تعیین و سپس شروع بایفای تکالیف مقرر

نمودند در نتیجه آقای نوبخت با کثرت ۶۰۵۳ رأی از ۸۶۶۵ رأی به نمایندگی مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه بهبهان منتخب انجمن بعد از اعلان نتیجه انتخاب برطبق ماده ۱۴ یک هفته

برای قبول شکایات حاضر چون در طرف مدت مزبوره هیچ وجه شکایتی بانجمن نرسید لهذا انجمن صورت مجلس و اعتبارنامه را با شرح جریان انتخابات و تصدیق صحت آن صادر و از مجرای قانونی به

مجلس شورای ملی ارسال و شعبه چهار با مطالعات عمیق از

محتویات صورت مجلس و مدت کماله در جریان انتخابات این حوزه انتخابیه چون باشکایتی مواجعه نشده و جریان را با مواد قانون منطبق دید لهذا انتخاب آقای نوبخت را به اکثریت تصویب و راپورت آن را تقدیم مینمایند -

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بنده مخالفم.

رئیس - می ماند برای جلسه بعد. خبر شعبه پنجم راجع بنمایندگی آقای زوار از ترشیز -

(آقای عراقی خبر شعبه را بشرح ذیل قرائت نمودند)

شعبه ۵ در تاریخ ۲۳ تیرماه تشکیل و بدوسیه انتخابات ترشیز رسیدگی نموده در تاریخ ۳ فروردین ماه حکومت ترشیز مطابق

ماده ۱۴ قانون از عده دعوت و انجمن نظارت را تشکیل داده در تاریخ ۱۴ فروردین اعلان انتخابات داده شده از تاریخ ۲۱ فروردین تا ۲۷

فروردین مدت توزیع تعرفه و اخذ رأی معین و دوازده هزار و یکصد و نه رأی در انجمن مرکزی ترشیز و سایر حوزه های فرعی اخذ رأی گردیده آقای حاج اسد آقای زوار با کثرت ده هزار و پانصد و هفتاد و

چهار رأی بسمت نمایندگی دوره ششم تقنینیه انتخاب شده اند چون شکایتی در دوسیه نبود و بعد هم شکایتی بدفتر مجلس شورای ملی

نرسید اعضاء شعبه پنجم متفقاً نمایندگی آقای حاج اسد آقای زوار را برای دوره ششم تقنینیه تصویب نمود و خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی می نمایند.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای زوار از ترشیز کسانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه ششم راجع بنمایندگی آقای حشمتی از محلات و کمره -

(آقای دادگر خبر شعبه را بشرح ذیل قرائت نمودند)

در یازدهم اسفندماه ۱۳۰۴ انجمن نظارت مرکزی محلات منقده ۲۶ نفر حاضر و انجمن مرکزی انتخاب و در تاریخ شانزدهم

نسبت بانجمن های فرعی و شعب تصمصیم گرفتند و نمایندگان خود را به آن نقاط اعزام و از تاریخ ۲۵ فروردین - برای شروع بتوزیع تعرفه و

اخذ رأی - تشخیص و خاتمه آن را بمناسبت توسعه نقاط و قلت و کثرت جمعیت متفاوت تعیین و در نتیجه آراء قرائت شده مجموع حوزه های فرعی آقای حیدرقلی میرزا حشمتی با کثرت ۸۳۲۰ رأی

بسمت نمایندگی کمره و محلات منتخب - با اینکه در موعده مقرر شکایات نرسیده بود مع هذا شکایتی که بعداً بدوسیه حکومت در

تشکیل نشدن انجمن فرعی در محله سفلی محلات رسیده بود متوجه ولی وارد نیافته و آنها را از گرفتن تعرفه در اشکال و تعسر دانسته و در انجمن مرکزی شرکت آنها را کافی دانسته بودند - بالتلیجه صحت انتخابات محلات و کمره با کثرت آراء حاضرین شعبه تصدیق میشود.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای حشمتی

آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه دوم راجع بنمایندگی آقای معتمد از غار و فشافویه

(آقای ضیاء را بپورت فوق را اینطور قرائت نمودند):

انتخابات غار و فشافویه اردی بهشت ۱۳۰۵ شروع و ۱۹ خرداد خاتمه یافته اعضای اصلی و علی البدل انجمن نظارت انتخابات ششم اردی بهشت با حضور ۲۷ نفر از مدعوین انتخاب و بلافاصله انتخاب هیئت رئیسه بعمل آمده است. انجمن نظار اعلان انتخابات را منتشر و مدت ۸ روز در ۲۷ اردی بهشت تا سوم خرداد/ه برای توزیع تعرفه و اخذ رأی معین و بعد از ترتیب انجمنهای فرعی در مدت مقرر شروع بتوزیع تعرفه و اخذ رأی نموده است. مجموع آراء مأخوذه ۶۹۳۰ و در نتیجه استخراج و قرائت آراء آقای آقامیرزا مهدی معتمدالتولیه سابق با کثرت ۲۸۳۲ رأی در درجه اولی بنمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب و بعد از ختم مدت قانونی و برطبق مقررات قانون اعتبارنامه ایشان و صورت مجلس انتخابات غار و فشافویه باسضاء و مهر اسضاء انجمن نظار و حکومت محل رسیده است. شعبه چهارم بعد از رسیدگی بشکایات واصله و مدارک و جریان امر صحت انتخابات غار و فشافویه را تصدیق و خبر آنرا به مجلس شورای ملی تقدیم مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای معتمد آقایان موافقین قیام بفرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه سوم راجع بعلیخان حیدری از ساوجبلاغ مکرری

(آقای شیروانی بمضمون ذیل راپورت مزبور قرائت نمودند):

انتخابات ساوجبلاغ مکرری برحسب دستور وزارت داخله از ۱۸ اسفند شروع و در تاریخ ۳ فروردین که نتیجه استخراج آراء جمیع حوزههای فرعیه بانجمن مرکزی واصل شده است خاتمه یافته جریان انتخابات ساوجبلاغ مکرری کلاً برطبق مقررات قانون بوده فقط بمناسبت غفلتی که بعمل آمده کاسلا رعایت مدت نشر اعلان نشده است.

شعبه سوم این موضوع را مورد مذاقه قرارداد نظر باینکه اولاً در حوزه انتخابیه ساوجبلاغ مکرری اشخاصی که کاسلا از جزئیات و دقائق قانونی مستحضر باشند وجود نداشته ثانیاً در احوار گذشته همین غفلت در انتخابات بعضی نقاط عشایری و دوزار مرکز شده مجلس شورای غمض عین نموده است -- شعبه نیز این غفلت را قابل ایراد قرار نداده به صحت بنمایندگی آقای محلی خان حیدری مکرری که با کثرت ۷۸۵۱ رأی از ۱۰۸۱۲ رأی انتخاب گردیده اند رأی میدهد.

رئیس - رأی میگیریم بنمایندگی آقای علیخان حیدری از ساوجبلاغ مکرری کسانیکه موافقت قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه چهارم راجع بنمایندگی آقای امام جمعه از اهر.

(آقای افشار حاضر و خبر شعبه را باین نحو خواندند)

بتاریخ هفتم اسفندماه ۱۳۰۴ برطبق ماده ۱ از طرف

است اعتبارنامه را صادر و صحت انتخاب ایشان را تصدیق نموده اند یکی دوقره شکایتی هم که به وزارت داخله رسیده بود در آن مذاقه و چون مزاحمتی برانتخاب ایشان نداشت علی هذا بنمایندگی ایشان باتفاق آراء حاضرین تصدیق میشود.

رئیس - رأی میگیریم بنمایندگی آقای میرزایدالله خان از ساوجبلاغ آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه دوم راجع به آقامیرزا محمدتقی ثقة الاسلام سابق از بروجرد.

(آقای ضیاء خبر شعبه را بمضون ذیل خواندند)

انتخابات بروجرد برطبق خبر نمره ۲ موافق مواد قانون انتخابات شروع و خاتمه یافته و آقای آقامیرزا محمدتقی ثقة الاسلام سابق با کثرت ۱۵۹۲۳ از ۲۹۹۳۰ رأی به بنمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب و شعبه ۲ بعد از رسیدگی بمدارک و جریان انتخابات بروجرد صحت انتخاب آنجا و نمایندگی آقای آقا میرزا محمد تقی ثقة الاسلام را تصدیق و خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی می نماید.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای آقامیرزا محمدتقی ثقة الاسلام سابق آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه سوم راجع بنمایندگی آقای آقا محمدآخوند از تراکمه استرآباد.

(آقای شیروانی حاضر و خبر شعبه را بترتیب ذیل قرائت نمودند)

دوسیه انتخابات ایلات ترکمن و صحرای یموت در شعبه سوم تحت مطالعه آمده و وضعیت آن به ترتیبی است که ذیلاً بعرض مجلس شورای ملی میرسد:

در مرکز صحرا و نقاط فرعیه انجمنهای نظارت تشکیل انتخابات حسب المقرر بجزایر میافتد - نکات قابل ملاحظه این دوسیه عبارت از سه موضوع است اولاً انجمن مرکزی از تهیه صورت مجلس کلیه حوزه انتخابیه غفلت نموده ولی تمام صورت مجالس حوزه مرکزی و حوزههای فرعی عیناً در دوسیه ضبط و ارسال شده است ثانیاً حکومت استرآباد در تلو یک مراسله بعنوان وزارت داخله راپورت میدهد که حکومت صحرا نظامی است و انتخابات در موقعی شروع شده که مقررات حکومت نظامی در محل مزبور بموقع اجراء گذارده میشود - در اینباب نیز سرهنگ حکیمی حکمران نظامی آنجا اطلاع میدهد که برحسب دستور فرمانده تیپ مستقل شمال در موقع انتخابات مقررات حکومت نظامی ملغی شده است ثالثاً انجمن مرکزی بواسطه شدت باران و موانع دیگر مجبور شده است انجمن را سیار قرار بدهد که اهالی بتوانند آراء خود را بدهند شعبه سوم در جلسات عدیده در اطراف این دوسیه مطالعات نموده و بالاخره اینطور قضاوت مینماید که چون اهالی صحرای ترکمن اکثراً بیسواد و مخصوصاً از سوازیق قانون انتخابات بی اطلاع بوده اند و علاوه جریان حقیقی انتخابات که عبارت از صدور

تعرفه و اخذ آراء بوده باشد در نهایت صحت انجام یافته است و نظر به اینکه آقای محمد آخوند از اهل محل و طرف توجه عامه میباشد جریانات فوق الذکر لطمه به صحت نمایندگی ایشان وارد نمیسازد - بنابراین آقای محمد آخوند که به اکثریت ۴۱۷۲ رأی از ۶۲۱۶ رأی منتخب گردیده اند نماینده ایلات ترکمن و صحرای یموت محسوب داشته و شعبه با رعایت جمیع مقتضیات محلی صحت نمایندگی ایشان را تصدیق مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود. بنمایندگی آقای آقا محمد آخوند از تراکمه استرآباد آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه پنجم راجع به نمایندگی آقای میرزا محمد علیخان بامداد از شیراز.

(آقای عراقی راپورت مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند)

شعبه ۵ بدوسیه انتخابات شیراز رسیدگی کرده در تاریخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۰۴ والی فارس ۳۶ نفر از طبقات سته مطابق ماده قانون انتخابات برای تعیین انجمن نظارت دعوت کرده مدعوین از بین خود نه نفر اعضای اصلی و نه نفر اعضای علی البدل انجمن را تعیین کرده انجمن پس از تعیین هیئت رئیسه خود و بعد از تعیین انجمنهای فرعیه حوزههای تابعه شیراز شروع بدادن تعرفه و اخذ رأی نموده اند از تاریخ دهم فروردین ماه تا آخر روز ۲۶ فروردین توزیع تعرفه و اخذ رأی خاتمه یافته در ۲۷ فروردین ماه شروع باستخراج و قرائت آراء شده در نتیجه قرائت آراء از کلیه آراء مأخوذه در شهر شیراز و انجمنهای فرعی آقای میرزا محمد علی خان بامداد با ۳۳۶۴ رأی به نمایندگی دوره ششم مجلس شورای ملی منتخب شده اند شعبه ۵ چون در بدوسیه انتخابات شیراز شکایتی ندید و جریان آن را مطابق قانون دانست متفقاً بنمایندگی آقای میرزا محمد علی خان بامداد را تصدیق نمودند این است که خبر آن تقدیم مجلس شورای ملی میشود.

رئیس - رأی میگیریم به نمایندگی آقای آقامیرزا محمد علیخان بامداد از شیراز آقایان موافقین قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر شعبه اول راجع به نمایندگی آقای اسمعیل خان نجومی از آباده.

(آقای فاطمی خبر شعبه را به مضمون ذیل قرائت نمودند)

جریان انتخابات آباده از قراری است که به عرض میرسد در تاریخ ۱۵ اسفند انجمن نظارت آباده تشکیل و بعد از ترتیبات مقدماتی اعلانات را صادر مینماید که در ۲ اسفند به توزیع تعرفه و اخذ رأی میپردازند به مجلس نقاط فرعی هم دستورات لازم تهیه و روانه میدارند در کلیه نقاط ۶۰۴۹ ورقه تعرفه توزیع و ۹۰۶۱ رأی اخذ شده پانزده ورقه رأی اضافی را برطبق ماده ۳ از مجموع آراء بر میدارند در نتیجه آقای میرزا اسمعیل خان نجومی به اکثریت ۵۷۴ رأی به نمایندگی آباده و توابع منتخب میشوند شکایات مختلفی از انتخابات بعمل آمده که اهم و خلاصه آن از این قرار است: انجمن نظار در ۱۲ فروردین تلگرافی به وزارت داخله مینماید

که آقا حسین نماینده انجمن مرکزی و مأموران انتخابات بوانات وقتقری راپرت میدهد که دو ساعت بعد از ظهر چهاردهم رمضان انتخابات تمام، صندوق را اعضای انجمن مهر کرده تحویل حقیر و شیخ مرتضی زنجانی داده رسید گرفته در موقعی که صندوق را می آوردم سلیمان خان نایب الحکومه رسیده صندوق را به عنف از ما گرفت منزل خود برد شب در منزل خود نگاهداشت یکساعت به ظهر روز بعد فرستادند عقب بنده رفتم منزل نایب الحکومه غلامحسین خان نظامی بنای فحاشی را به حقیر گذارد مراجعت کردم مجدداً و کیل جعفر نظامی آمد مرا به منزل سلیمان خان برد دیدم صندوق باز شده در میان اطاق است معلوم شد همان شب سلیمان خان صندوق را باز کرده آراء را از میان صندوق برداشته به اسم اسمعیل خان نجوسی نوشته و در صندوق ریخته همان روز هم صندوق عندی را سلطان محمدخان آورد قرائت کردند هزار و دو بیست رأی به اسم اسمعیل خان نجوسی تالی در آن ریخته بودند همینقدر بدانید انتخابات بوانات ابداً مطابق قانون نبوده شرح راپرت واصله که انجمن مرکزی کاملاً صحت آنرا تصدیق مینماید انجمن مرکزی آباء بوانات قسمتی مخالف با قانون و عاری از صحت میدانند (انجمن نظارت مرکزی آباء). دو روز بعد از وصول این تلگراف تلگرافی از حکومت آباء میرسد که اظهارات محمدحسین را قویاً تکذیب و میگوید این شخص طرفدار و اعظ زاده است در ۱۶ فروردین تلگراف دیگری از حکومت میرسد که عیناً درج میشود به عنوان وزارت داخله تعقیب نموده ۸۶ عین مراسم انجمن نظارت را مرتباً عرض بعد العنوان چون در ۱۲ فروردین شرحی از آقا محمدحسین مأمور انتخابات بوانات حاوی شکایت از وضع انتخابات آنجا رسیده بود که مفاد آن به وزارت داخله تلگراف شده و سواد آن به اداره حکومتی فرستاده شده اینک چون حکومت محترم بوانات و انجمن فرعی آنجا صحت انتخابات حوزه خود را باضای آقا محمد حسین فرستاده و تصدیق کرده اند معلوم میشود آن شکایات در نتیجه سوء تفاهم بوده است دفاتر و اوراق و خلاصه مذاکرات آنجا را انجمن مرکزی آباء ملاحظه نموده صحیح است. (رئیس انجمن نظارت آباء قاضی ۱۶ فروردین نمونه ۰۱۲ حکومت آباء محمد تقی عرب). مجدداً در ۲ فروردین تلگراف دیگری از انجمن آباء رسیده که اظهارات اول خود را تأکید مینماید و عیناً درج میشود: به عنوان وزارت داخله در تعقیب نمونه ۷۲ چون مأمور انتخابات بوانات شرحی نوشته است مفاد عریضه اول که تحت نمونه ۶۶ به آن وزارت جلیله عرض شده مطابق با واقع است و از صندوق صغاد هم اخیراً انجمن ظنین شده عقیده دارند انتخابات بوانات و صغاد تجدید شود مستدعی است آن وزارت جلیله تکلیف انجمن را معین فرموده تا زودتر با انتخابات خاتمه داده شود نمونه ۷۷ انجمن مرکزی آباء در تاریخ ۲۷ اردی بهشت تلگراف دیگری از انجمن در جواب وزارت داخله رسیده که خلاصه آن از این قرار است تا کنون انتخابات آباء که حوزه های فرعی را انجمن مرکزی تصدیق نموده و صحت آن را سواً صغاد تصدیق مینماید و در همین موقع تلگراف دیگری از انجمن در باب تجدید صغاد میرسد که تقاضای تجدید مینماید وزارت داخله جواب میدهد در صورتیکه تصمیم

بالغاء آراء صغاد شده زودتر اقدام نمایند و بعد از چند روز اطلاع میدهند که آراء صغاد ابطال و تجدید و تمام شده بالاخره در ۳۰ اردی بهشت حکومت اطلاع میدهد کلیه انتخابات تمام و آقای سیرزا اسمعیل خان نجوسی حائز اکثریت است. علاوه بر اعتراضات فوق اعتراض دیگری هم از اشخاص مختلف به وزارت داخله و ریاست وزراء میرسد که حکومت آباء نظامی است و تقاضای تبدیل او را مینمایند در این قسمت بعد از مذاکرات لازمه چون معلوم گردید که غیر از اینکه شخص حکومت نظامی است، هیچگونه مقررات دیگر حکومت نظامی معمول نبود این اعتراض وارد است بعد از قرائت کلیه دوسیه و مراجعه کامل به شکایات و مباحثات طولانی که بعمل آمد دو فقره سؤال و جوابی که ذیلا و عیناً درج میشود به شعبه واصل گردید در تاریخ ۱۶ تیرماه تلگرافی از طرف آقای سیرزا حسن خان مستوفی رئیس الوزراء حالی به آباء مخایره میشود بدین طریق:

حکومت آباء، چون در اطراف انتخابات دوره ششم آباء شکایت متواتر میرسد نظر به علاقه کاملی که در صحت انتخابات دارم اینجانب شخصاً دوسیه را ملاحظه کردم در نتیجه مطالعات اینطور معلوم میشود که جریان انتخابات آنجا مرتب نبوده و ایراداتی به نظر میرسد برای اینکه با احاطه کامل کیفیت قضیه را تشخیص داده لازم میدانم که آن حکومت با رعایت بیطرفی و دقت تام نسبت به جریان این انتخابات تحقیقات نمایند و مخصوصاً اعضای انجمن نظار را بخواهید و سراتب را از آنها استفسار کنید و آنچه معلوم شد با کمال وضوح و بدون ملاحظه از احدی راپرت بدهید. این را بخط خود ضمیمه میکنم که این حقیقت را بدانم لذا از شما و انجمن نظار میخواهم که به دون ملاحظه حقایق را تلگرافاً بگوئید.

جواب انجمن: بعد العنوان عین تلگرافی که اعضای انجمن آباء عرض نموده اند ذیلا به عرض میرسد نمونه ۶۰۶ سلط انعلی حکومت آباء مقام متبع ریاست وزراء عظام دست عظمته تلگراف مبارک توسط حکمران محترم آباء ابلاغ گردید راجع بان انتخاب آقای سیرزا اسمعیل خان نجوسی بعد از دادن اعتبارنامه به مهر و امضاء انجمن از طرف اعضای انجمن تا کنون شکایاتی نشده انتخابات آباء مطابق مقررات قانونی خاتمه یافته است. محمد حسن نامی وهفت نفر اعضای انجمن حکومت فعلی آباء هم مجدداً در همین تاریخ تلگراف دیگری به ریاست وزراء مخایره و میگویند اگر چه در موقع انتخابات نبوده ام مع هذا شخصاً بدوسیه ها مراجعه و تحقیقات لازمه به عمل آوردم انتخابات آباء کاملاً بر طبق قانون بوده است لهذا اینکه انجمن امروز در نهایت آزادی بوده و حکومت هم غیر نظامی است و اظهارات گذشته خود را تردید و تکذیب کرده اند و انتخابات صغاد هم که محل اشکال بوده تجدید شده این انتخاب را موافق با قانون و آزادی دانسته و با اکثریت صحت نمایندگی آقای سیرزا اسمعیل خان نجوسی را تصدیق مینماید.

رئیس — رأی میگیریم بنمایندگی آقای نجوسی از آباء اشخاصی که تصویب مینمایند قیام فرمایند (جمعاً برخاستند)
رئیس — تصویب شد. خبر شعبه پنجم راجع بنمایندگی

آقای عطاءالله خان پالیزی از کرمانشاهان

(آقای عراقی راپرت فوق را باین نحو خواندند)

شعبه ۰ بدوسیه انتخابات کرمانشاه مراجعه کرده حکومت کرمانشاه در ۲۷ اسفندماه ۱۳۰۳ مطابق ماده قانون انتخابات ۲۶ نفر از طبقات ششگانه دعوت نموده مدعوین اعضاء اصلی و علی البدل انجمن نظارت را از بین خود تعیین کرده انجمن نظارت پس از تعیین هیئت رئیسه خود اعلان انتخابات را بدوسیه حکومت در شهر و حوزه های فرعیه منتشر و مدت توزیع تعرفه و اخذ رأی را از ۳۰ فروردین تا ۱۲ اردی بهشت معین کرده آراء مأخوذه در این مدت ۳۰۳۲ ورقه بوده بعد از استخراج در نتیجه قرائت آراء آقای عطاءالله خان پالیزی با اکثریت ۲۱۳۶۴ رأی بنمایندگی مجلس شورا منتخب شدند شعبه ۰ بعد از رسیدگی کامل شکایت واردی در دوسیه انتخابات نسبت به آقای عطاءالله خان ندیده فقط یک شکایتی بانجمن نظارت رسیده که آقای عطاءالله خان تبعه دولت علیه ایران نیستند انجمن نظارت هم بحکومت کرمانشاه رجوع حکومت کرمانشاه بوزارت جلیله داخله مراجعه کرده وزارت جلیله داخله از وزارت جلیله خارجه مستفسر شده وزارت خارجه تصدیق تبعیت آقای عطاءالله خان را بدولت علیه ایران نموده چون غیر از این یک فقره شکایتی نبوده و این شکایت بدو سبب سرقومه وزارت جلیله خارجه تکذیب شده این است که شعبه پنج، نمایندگی آقای عطاءالله خان را تصویب و خبر آن تقدیم مجلس شورای ملی میشود.

رئیس — رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای پالیزی و کیل الدوله سابق از کرمانشاهان. آقایان موافقین قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. خبر دیگر از شعبه پنجم راجع بنمایندگی سیرزا ابراهیم خان قوام از شیراز

(مجدداً آقای عراقی راپورت مزبور را باین مضمون قرائت نمودند)
شعبه ۰ بدوسیه انتخابات شیراز رسیدگی کرده تفصیل جریان انتخابات را در خبرهای قبل بعرض مجلس مقدس رسانده در نتیجه قرائت آراء شهر شیراز و حوزه های فرعیه آن آقای سیرزا ابراهیم خان قوام لملک سابق با اکثریت ۴۲۱۹ رأی بنمایندگی دوره ششم تقنینیه انتخاب شدند شعبه بعد از رسیدگی کامل بدوسیه انتخابات شیراز نمایندگی آقای سیرزا ابراهیم خان قوام را تصدیق و خبر آن تقدیم مجلس شورای ملی می گردد.

رئیس — رأی میگیریم بنمایندگی آقای سیرزا ابراهیم خان از شیراز آقایانیکه تصویب مینمایند قیام فرمایند. (اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس — تصویب شد. راپورت نمایندگی آقای مهدوی از مشهد دیروز مطرح شد و آقای ملک التجار مخالف بودند.

بعضی از نمایندگان — حاضر نیستند.

عراقی — حاضر نیستند باید رأی گرفته شود.

رئیس — رأی میگیریم بنمایندگی آقای مهدوی از مشهد کسائیکه موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. راجع بنمایندگی آقای کللی هم ایشان مخالف بودند باید نسبت بانهم رأی گرفته شود. رأی میگیریم بنمایندگی آقای کللی آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس — تصویب شد. نسبت به اعتبارنامه آقای اسعد هم آقای ملک التجار مخالف بودند و چون حاضر نیستند باید نسبت به آن هم رأی گرفته شود. رأی می گیریم به نمایندگی آقای اسعد کسانی که موافقت قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. خبر شعبه اول راجع به انتخابات مراغه و اسکندرخان مقدم دیروز مطرح شده بود و آقای بهارمخالف بودند. بفرمائید.

مدرس — بنده پیشنهادی داده ام.

(پیشنهاد مزبور به مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم این اعتبارنامه مراغه و سایر اعتبارنامهائی که مورد مخالفت واقع شده به کمیسیون تحقیق که نظامنامه مجلس معین نموده رجوع شود و مجلس به جریان خود بوده و با کمال تأمل رسیدگی شده و مجدداً راپرت به مجلس داده شود.

رئیس -- توضیح بدهید.

مدرس — گرچه می دانم که توضیح در پیشنهاد باید بطور اختصار باشد ولی نظریه اینکه بعضی از نمایندگان جدیدند و از اوضاع سابق مجلس اطلاعی ندارند اگر یکی دو کلمه زیاد تر بشود از این نقطه نظر است. با بعضی اعتبارنامه ها مخالفت شد. چند تأیید الحمد لله رب العالمین خاتمه یافت و چندتای دیگر مانده است و شاید یکی دوتای دیگر هم دنبال اش باشد که مخالفت بشود و بنده عقیده ام اینست که این مخالفتهائی که می شود بعضی مبنی بر جهل است که بعضی اطلاعات از وضعیات بعضی جاها ندارند. بعضی مبنی بر عمد است. بعضی اشکال قانونی است و بعضی نظریات سیاسی است لهذا عقیده ام این است بیک کمیسیون تحقیق که سابقه هم در مجلس دارد انتخاب شود و این مخالفتهائی که شده است به کمیسیون تحقیق برود و این کمیسیون را بیست و نه روز یکماهه موقت یا غیر موقت قرار بدهند تا در آنجا با تأمل نمایندگانی که شبهه دارند رجوع بکنند اگر شبهه شان رفع شد فبها والا مجدداً به مجلس راپرت می دهند و البته اکثریت مجلس هم قاطع است چه اکثریت سیاسی باشد چه اکثریت عددی هر دو رأیش قاطع است و این پیشنهاد را ازین نقطه نظر کردم.

رئیس — آقای فاطمی (اجازه).

فاطمی — بنده بیشتر مخالفتم با پیشنهاد آقای مدرس مربوط به اعتبارنامهائی است که بعد مخالفت می شود و مربوط به این اعتبارنامه که حالا مخالفت شده نیست. آقای مدرس فرمودند که بعضی ازو کلاً تازه آمده اند و جریانات رامکن است ندانند ولی الحمد لله خودشان چند دوره است در مجلس بوده اند و مخصوصاً جریان انتخابات هرجائی را هم مسبوق هستند و بالخصوص انتخاباتی

که فعلاً مطرح شده است بعضی از آنها شریک داشتند و شرکاء آنها را مجلس رأی داد و تصویب شد. مثلاً یکی اعتبارنامه شاهزاده ملک ایرج میرزا است که دیروز والا به اعتبارنامه سایر خراسانیها رأی دادید پس معلوم می‌شود که از حیث جریان اشکالی نیست و شاید همانظوری که فرمودید یک نظر سیاسی راجع به بعضی اعتبارنامه‌ها باشد ولی آن نظر را که توضیح ندادند که بنده قانع شوم و چون بنده شخصاً نسبت بهیچ یک ازین اعتبارنامه‌ها نظر سیاسی ندارم از این حیث با پیشنهاد آقا مخالفم و هر کس نسبت به هر اعتبارنامه مخالف است بعقیده بنده باید بیاید اینجا و آزادانه نظر خود را بگوید و مخالفتش هم جواب بدهد بعد بحکیمیت مجلس رجوع شود کمیسیون تحقیق هم فایده ندارد.

رئیس — رأی می‌گیریم به پیشنهاد آقای مدرس آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس — تصویب نشد. پیشنهاد آقای میرزا ایدالله خان هم قطعاً رد می‌شود. آقای بهار فرمایند.

بهار — مخالفت بنده در این رایرتی که از شعبه اول صادر شده دو جنبه دارد. یک جنبه آن مربوط به طرز قضاوت شعبه است و عقیده دارم که شعبه طرز قضاوتش صحیح نبوده است و این یک اعتراضی بود که به موجب آن بنده مخالفت کردم و باید اعتراض گفته شود و یک اعتراض هم راجع به اصل قضاوت شعبه بود و حالا برای اینکه زیاد مسئله بطول نینجامد از آقایان اجازه می‌خواهم که از متن راپرت مخبر محترم شروع کنیم و البته چون تمام قوای مخالفت شعبه جمع شده است در سطور این راپرت لهذا بعقیده بنده اگر از متن راپرت شروع کنیم و اعتراضات خود را عرض کنیم شاید سهلتر و بهتر عرایض بنده بسمع آقایان موثر شود. اولاً قبل از اینکه شروع کنیم بمتن مطلب آن قسمت اول اعتراض خود را مطرح میکنم و از مجلس محترم قضاوت می‌خواهم. اگر چه بعقیده یکی از نمایندگان محترم که میگفت وقتی بنا باشد قضایای مربوطه بقضاوت پارلمانی در خارج پارلمان بین افراد معدود یا مستفاد حل بشود منطق و برهان حق و حقیقت چندان مؤثر نیست ...

آقا سید یعقوب — مطلب را فرمایید.

سهراب زاده — مطلب این است که میگویند شما حق ندارید هو کنید.

(صدای زنگ رئیس)

رئیس — بدون اجازه صحبت نکنید.

بهار — استدعا میکنم آقای آقا سید یعقوب اجازه بدهند که بنده تمام عرایضم را بکنم و البته شما هم آزادید ممکن است بعد حرف بزنید معذک کله باتصدیق بواقعیت این مسئله از آنجائی که وظیفه هر مدافعی دفاع از حقیقت است خواه مؤثر بشود یا نشود بنده عرایضم را اینجا عرض میکنم ولی مایوس هم نیستم از اینکه حق گاهی تأثیر داشته باشد و البته هم ممکن است خاصه حالا که اکثر اعتبارنامه‌های آقایان گذشته است و البته یک و کیلی که دارای استقلال است و همینطور یک قاضی که دارای استقلال است بهتر

چهاراویماق است. این هم باز به طور خلاصه همین سه چهار فقره است که در ضمن راپرت به عرض رسیده و ممکن است آقایان مراجعه هم فرمایند و دیگر غیر از این چیزی نیست و اگر باز هم هست ممکن است بیاورند ما هم به بینیم. اولاً عنوان اینکه نوشته شده است شعبه فرعی چهاراویماق سیار بوده و بهمین مناسبت هم در صورت مجلس قید شده است مخبر محترم و شعبه معظم این قسمت را یکی از اشکالات و اعتراضات قرار داده‌اند. در صورتیکه راجع به سیار بودن انجمن به شعبه شکایتی نرسیده است و در صورت مجلس انتخابات سراغه می‌نویسد: شعبه فرعی سیار چهاراویماق. شعبه فرعی سیار چهاراویماق که دلیل بطلان شعبه فرعی انجمن نمی‌شود برای اینکه شعبه‌های فرعی که مجزا می‌شوند از مرکز در بلوکات و نقاط متفرقه که جمعیت در یک جا جمع نیستند شعبه سیار می‌شود و این طبیعی و در همه جا هم معمول است و در قانون انتخابات هم این قسمت منع نشده است...

مدرس — همین شمیران.

بهار — چنانچه شعبه انتخابات کن و سولقان از کن رأی می‌گیرد و می‌رود بارنگه و رودبار و بالاخره پشت کوه و شهرستانک. شعبه سیار و اسین هم می‌رود بقرقویه و بهنام باز کی و بهنام سوخته و شهروراسین و باغ خاص. پس این شعبه سیار چیز طبیعی است و اگر آقایان دقت می‌فرمودند خیلی سهل بود و این قضیه قابل این نبود که در راپرت بعنوان شکایت نوشته شود بهمان دلیلی که در صورت مجلس انجمن نظار سراغه هم قید شده است (شعبه سیار چهاراویماق) و مدرک این عبارت هم همان صورت مجلس است پس این قسمت بدلالی که عرض شد مورد اعتراضی نبوده و نیست. ثانیاً می‌گوید: بانجمن شکایت می‌شود که چهاراویماق هشت طایفه است که سه طائفه آن در تحت امر صولت السلطنه است و پنج طائفه از اسر ایشان خارج است و از پنج هزار و پانصد و هشتاد و پنجاه و صد و هشتاد و دو نفره آن را بین سه طائفه خود تقسیم کرده و چهار صد و دو نفره دیگر را به سایرین داده و دلیل این اظهارات هم این است که تمام خطوط یکی و به اسم سهراب زاده بوده است. بله شکایات عمده که آقای اسکندر خان مقدم یعنی همان کسی که بعد از سهراب زاده رأی داده و بالاخره به خیال خودش تیرا به نشانه زده است همین قسمت است که بطور متحد المال هی تکراری می‌شود و فریاد می‌زند در صورتیکه ما وقتی بدوسییه مراجعه می‌کنیم می‌بینیم صولت السلطنه نام آنجا سمت رسمی نداشته است. صولت السلطنه هم یکی از اشخاصی بوده است که در چهاراویماق و در همان قسمت ایلاتی و بلوکی شماها به او حق انتخاب داده‌اید و باید وکیل انتخاب کند. این یک آدمی است که در آنجا از او حرف می‌شنوند. از این صولت السلطنه‌ها در همه جا هستند در کن و سولقان هم هستند در خراسان هم هستند در همه جا صولت السلطنه‌هایی که در یک جائی نفوذ دارند هستند و این صولت السلطنه هم آنجا دلش خواسته که به آقای سهراب زاده رأی بدهد اجزاء و اعضاء او هم که تحت نفوذ او بوده‌اند یگان یگان به ایشان علاقه داشته‌اند و دلشان خواسته است به ایشان رأی داده‌اند و این موضوعی نیست که بیایند در راپرت

که این عمل شعبه محترم مبتنی بر صحت و یک اصل صحیحی نبوده پس درین صورت اصل مخالفت بنده با این راپرت مبتنی بر این قسمت بوده است و این قسمت را فعلاً مسکوت عنه می‌گذارم برای اینکه در پایان مذاکرات خودم در این باب تجدید مذاکره کنم و وارد میشوم بمتن راپرتی که بخیر داده است و اعتراضات شعبه را تحت نظر و تنقید قرار میدهم. و امیدوارم که به عرایضم دقت فرمایند. بنده دیروز رفتم به شعبه یک و تقریباً چندین کتابچه و چندین من اوراق و مراسلات آنجا بود و از این چندین اوراق و کتابچه‌ها که آنجا بود و تمام مربوط به انتخابات سراغه بود بنده قسمت اعظم آنها را مراجعه کردم و تمام آن قسمتی که راجع به انتخابات چهاراویماق ما نحن فیه آن قسمتی که مورد اعتراض شده بود تمام را مراجعه و دقت کردم و آن اوراقی که در این راپرت ذکر کرده‌اند مشاهده نمودم و حقیقتاً اسباب تعجب بنده شد. آن اوراق را که دیدم و تطبیق کردم با دفاتر و بالاخره آن دفاتر را به این راپرت تطبیق کردم فوق العاده متعجب شدم و امیدوارم آقایان هم اگر از نقطه نظر حقایق دقت فرمایند برای آقایان هم اسباب تعجب شود و به بینند که ناچه اندازه ممکن است در مطالعات ایشان شود. اولاً شکایاتیکه راجع به سهراب زاده و راجع به چهاراویماق در این چند من اوراق و دوسییه که عرض شد وجود دارد و راجع به چهار پنجهزار رأی سهراب زاده شده است بیش از چهار پنج ورقه نیست و اینکه در راپرت نوشته شده است: شکایتهائی که همه مبتنی بر دسائس اعوان و انصار و حماة سهراب زاده است این فراز طولانی بالاخره منتهی می‌شود به پنج ورقه شکایت که سه ورقه یا چهار ورقه آن با امضاء اسکندر مقدم یعنی سردار ناصر برادر زاده شجاع الدوله یعنی طرف مدعی سهراب زاده است که این چند ورقه را او امضاء کرده و به انجمن فرستاده است و دو ورقه هم که یکی دارای چهل و شش مهر و یکی دوازده مهر است می‌باشد و بالاخره تمام این اوراق بسته است بهم و این عبارت از شکایاتی است که اینجا مخبر محترم عنوان قرارداداند و آب و تاب نوشته‌اند. پس شکایات مهمی که نوشته‌اند عبارت از همین شکایاتی است که بنده در اینجا یادداشت کرده‌ام و ممکن است اگر مایل باشند به دوسییه مراجعه فرمایند و تمام آن شکایات که در این راپرت ذکر شده است آقایان نمایندگان محترم مطمئن باشند که شکایاتی غیر از پنج ورقه که عرض شد و اینجا حاضر است دیگر شکایتی نیست و ممکن است اگر باز هم هست بروند بیاورند و فقط شکایاتی که راجع به سهراب زاده است در حدود همین چند فقره است که عرض شد. پس در قسمت اول که می‌نویسد: شکایات مهمی به انجمن نظار و حکومت سراغه می‌رسد که همه آن شکایات بر دسائس اعوان و انصار و حماات سهراب زاده است. این یک اساس کلی ادبی است که نوشته‌اند. بله ممکن است بگویند (شکایات) ولی شاید مراد از اداء این کلمه جمع همان از یک تاسه بوده است و در هر صورت این ظاهر عبارتست ولی برای اطمینان آقایان عرض می‌کنم که تمام این شکایات مربوط به همان چند فقره است. دیگر اینکه می‌نویسد: چیزیکه بیشتر توجه شعبه را جلب نموده شکایات مربوط به انجمن فرعی

به‌طور اختصاص آن‌را مطرح کنند زیرا اگر صولت‌السلطنه حاکم بودحق باشما بود. بلی صولت‌السلطنه ناسی اینجاست ولی هیئت‌نظار ابدأ اعتنائی به شکایات نکرده‌اند زیرا صولت‌السلطنه را یک نفر آدم رسمی که اعمال نفوذ بکند ندانسته‌اند و میتوان گفت که شاید او اصلاً آنجا نبوده است و هیچ اصل هم نداشته باشد و به هر صورت اگر چنانچه یک قسمت از بلوکات زیادتر رأی داده‌اند و یک عده کمتر رأی داده باشند این دلیل براین نیست که آن قسمتی که رفته‌اند و زیادتر رأی داده‌اند آنها برحسب امر صولت‌السلطنه باشد. خیر صولت‌السلطنه‌های دیگری هم که بایستی مراقب باشند و بروند رأی بدهند اهمال کرده‌اند و نرفته‌اند رأی بدهند و آن بلوکی هم که تعرفه کم بهشان رسیده است آنها کم رفته‌اند و تعرفه بگیرند. از آن گذشته بر فرض صدق این اعتراض و شکایت بایستی آن طائفه و نقاطیکه به قول آقای مخالف و معترض تعرفه و رأی به آنها کم تقسیم شده است آنها باید بیایند شکایت کنند نه یک نفر کسیکه در سراغه نشسته است و مدعی انتخابات و وکالت بوده است این شکایات را مداخلت قرار بدهد و به انجمن نظر بفرستد ولی این کار نشده است و اگر چنانچه میگویند آن بلوکا تیکه به آنها تعرفه کمتر داده شده است شکایت کرده‌اند تازه بایستی انجمن نظر مطالعه بکند و ببیند چرا به آنها تعرفه کم داده شده است ولی بالاخره اینها مربوط به فساد و بطلان آراء آن قسمتهائی که رفته‌اند و تعرفه گرفته‌اند نخواهد بود. کم گرفتن تعرفه یک نقطه موجب بطلان آراء یک نقطه دیگری که زیادتر تعرفه گرفته است نمیشود زیرا اوزر رنگ بوده و رفته است زیادتر گرفته است و دیگران تئیل بوده‌اند و نرفته‌اند بگیرند این است که این قسمت بهیچوجه قابل اعتراض و دقت نبوده است و انجمن نظر هم بهیچوجه این قسمت را مورد توجه قرار نداده است و عجب‌تر این است که انجمن نظر سراغه یک شرحی اینجا نوشته است و یک دفاعی به خیال خودش کرده است ولی چون عبارت را پاکیزه و آنطوریکه مخبر محترم میخواستسته نوشته این است که عین این عبارت را در راپرت نوشته‌اند و به شکل یک حربه بر ضد نماینده سراغه بکار برده‌اند و جوابی که میدهد عیناً از اینقرار است و این در قسمت اتحاد آراء است مینویسد که: در این قسمت و سایر قسمتها که آراء متحدالشکل و یک صورت بوده است قانون این اجازه را بمنته‌ذین داده است. و دریایان این عبارتی هم که توی راپرت نوشته‌اند انجمن نظر اینطور نوشته است که بنده یادداشت کرده‌ام. میگوید: اهالی چهاراویماق از هزار نفر یک نفر با سواد نیست. بلی سراد انجمن نظر اگر از نقطه نظر تصدیق بوده و این عبارت را نظر سراغه از نقطه نظر تصدیق شکایت نوشته بودند ممکن بود درش حرف بزیم ولیکن نظر از نقطه نظر تکذیب شکایات و وارد نبودن اعتراض یکی و متحد بودن خطوط آراء انتخابات این عبارت را نوشته‌اند و بعد هم تصدیق بی‌سوادی را نوشته و متذکر شده است و به عقیده بنده فوق‌العاده صحیح نوشته شده و هیچ قابل اینکه در اینجا قید شود نیست. چرا؟ برای اینکه تا وقتیکه انتخابات ایران مستقیم و عمومی و مخفی ست بالاخره بلوکاتی که از هزار نفر یک نفر هم با سواد نیست و

آنها هم باید بیایند رأی بدهند مجبورند به این ترتیب مگر اینکه شما آنها را محروم کنید و اشخاص بی‌سواد و بلوکات را در دادن رأی شریک قرار ندهید ولی وقتیکه شما این کار را نکرده‌اید و این حق را از ایشان سلب نموده‌اید البته چون سواد ندارند طبعاً آخوند ده را سی‌ورند می‌نشانند و میگویند یکی دو تا سه تا رأی برای ما بنویس و بده. چنانچه اگر به آراء شهر طهران و بلوکات توجهی میفرمودید و آراء این نقاط را میدیدید، این اعتراض را نمیفرمودید زیرا بیشتر آراء متحدالشکل است و خود بنده در انتخابات طهران سیرفتم پشت دست آن رأی خواننده‌ها می‌نشستم و میدیدم غالباً کاندیدها به یک خط بود و خورد آقای داور چون کاندید بودند تمام آرائشان به یک شکل بود و همینطور خود بنده و آقای مدرس هرچه بیرون می‌آمد یک خط و یک شکل این طبعی است بلوکات و ایلاتی که سواد ندارند و حق انتخاب هم دارند البته میروند پیش آخوند ده می‌نشینند و پنجه‌زار رأی میگیرند که همه به یک خط است و میروند میدهند و البته این دلیل بطلان انتخابات نمیشود زیرا در قانون نوشته‌اید که اگر آراء انتخابات یک حوزه به یک خط بود آن آراء باطل است پس چون قید نظامنامه ندارد بنابراین این مسأله نباید قابل تعقیب واقع شود و نباید هم متذکر شدید زیرا اگر میخواستید این قضایا در ایران صورت نگیرد بایستی بی‌سوادها و بلوکات را از حق انتخاب محروم کنید و البته آنوقت اشخاص باسواد می‌آیندند و هر کس رأی خودش را خودش مینویشت و میداد. پس این قسمت قابل توجه نیست و اینکه نوشته است. که هیئت نظر آنجا نوشته‌اند که قانون این حق را به سالکین و منتفذین داده است. مراد همین توضیحاتی است که بنده دادم منتها آن هیئت محترم نظر بیش از این سواد نداشته‌اند والا مرادش چون از نقطه نظر دفاع نوشته است معلوم است که همین بوده است و ورقه هم اینجا حاضر است بنده الان پیدا میکنم مرادش این است که این قانون انتخابات بالاخره به نقاطیکه بلوکند و ایلات و همینطور بمنته‌ذین و سالکین این حق را داده است. این حق را که شما به آن اعتراض میکنید این حق را قانون انتخابات به آنها داده است و البته بنده هم تصدیق دارم و همه آقایان هم شاید تصدیق دارند که این طرز انتخابات صحیح نیست و همیشه دیده شده است که آراء بلوکات و اطراف شهرها سیاید و آراء شهری و انتخابات شهر را خراب میکنند. در خراسان مکرر دیده‌ام که آراء جام باخرز سیاید و دو و کیل سه و کیل بلکه چهار و کیل را میبرد. در خود طبران چند دوره است ملاحظه میفرمائید دو و کیل سه و کیل، چهار و کیل خوب را بیرون میکنند و چند و کیل دیگر را (حالا مقصودم خوب و بد نیست) وارد میکنند. پس این اعتراض را بایستی به قانون انتخابات کرد و این هیئت نظر سراغه هم این مسأله را جواب داده است نه اینکه تصدیق کرده است که این شرحی را که آقای اسکندر مقدم نوشته‌اند صحیح است یعنی آقای صولت‌السلطنه اعمال دسیسه کرده است اگر آن قسمت را تصدیق میکردند باید خودشان آراء را لغو کنند و به اختیار آقای عمادالسلطنه بگذارند (ببخشید آقای فاطمی)، یک قسمت دیگر هم که اینجا در بادی امر فوق‌العاده منطقی به نظر رسید و اسباب تأمل

من شد ولی آنهم طوری حل شد که مجبورم به عرض آقایان برسانم و آن این است که سالار ناصر اعتراض میکند که اهالی قزل‌آباد و مکتورفته‌اند در هشتروند رأی داده‌اند و آمده‌اند در چهاراویماق هم رأی داده‌اند. آیا اعضاء انجمن سراغه این قضیه را تعقیب کرده‌اند یا خیر؟ آنها تصدیق می‌نویسند که آن تصدیق یک ورقه است و حالا نشان میدهم که البته آن تصدیق هم صحیح است. نظر مینویسند: که بله اینها رفته‌اند و ما تحقیق کردیم در دو جا یکی در قسمت هشتروند راجع به انتخابات آذربایجان رأی داده‌اند و یکی هم در قسمت چهاراویماق رأی داده‌اند این اسباب تأمل من شد زیرا مطابق این صورتیکه نظر اسضاء کرده‌اند (منتها دو خط است و حالا به آن کار ندارم) میگوید قزل‌آباد که حومهٔ چهار اویماق است و تمامی اهالی مکتو که هشتروند است هم در جزء هشتروند و هم در جزء چهار اویماق تعرفه گرفته‌اند و رأی داده‌اند و حکمیت این قضایا از وظائف مجلس شورای ملی است اینجا هم نوشته است و در واقع در ذیل اینهم مینویسد که آراء قزل‌آباد و مکتو از روی دفتر به قرار ذیل است:

قزل‌آباد نوزده رأی. مکتو دویست و پنجاه و هفت رأی...

فاطمی -- دویست ندارد.

بهار -- دویست را کمی گذاشته است من نمیدانم!! خوب الحمدلله شما هم با بنده هم عقیده‌اید بهتر که ندارد. بله بنده هم وقتیکه باینجا نگاه کردم و باینصورت و باینجمله مراجع نمودم اسباب تعجب بنده شد که قزل‌آباد ۱۹ رأی در چهاراویماق داده است و مکتو ۵۰ رأی. و اینهم دلیل جریحه‌دار شدن انتخابات چهاراویماق نمیشود، به چه دلیل؟ اولاً مینویسد: قزل‌آباد حومهٔ چهاراویماق است. وقتی قزل‌آباد حومهٔ چهاراویماق خواهد بود آنوقت آرائی که در چهاراویماق داده است صحیح است و آرائی که در حومهٔ تبریز داده است آنها را باید دقت کنند و به بینند قزل‌آباد چقدر و به کجا رأی داده است. آن مقدار رأی که داده است و عبارتست از نوزده رأی بیندازند دور. پس شما حق ندارید آن قسمتی را که نظر مینویسند حومهٔ چهاراویماق است خارج بدانید. پس وقتیکه تصدیق کردیم قزل‌آباد و مکتو یکی ۱۹ رأی و دیگری ۵۰ رأی که جمعش میشود هفتاد و چهار و فرض کنیم که آنها آرائشان باطل است و در اینجا با شما هم عقیده شویم باز مراجعه میکنیم اینجا ولی سی‌بیم سهراب‌زاده ۱۲۸۱۰ رأی دارد و سردار ناصر ۱۲۷۳۷ رأی و وقتی که آراء قزل‌آباد و مکتو را با اینکه جزء حومهٔ چهاراویماق بوده است و به قول شما تمام آن آراء را لغو و باطل کنیم و بریزیم دور تازه سهراب‌زاده اکثریت دارد و تازه ایشان چند رأی از سالار ناصر زیادتر خواهند داشت... (در این موقع آقای مخبر مشغول یادداشت نمودن بودند).

بهار -- (خطاب به آقای مخبر) -- بله یادداشت بفرمائید.

سهراب‌زاده ۱۲۸۱۰ و سردار ناصر ۱۲۷۳۷ در هر صورت باز ایشان اکثریت دارند پس این قسمت اعتراضات شما هم باطل و قابل توجه نیست. حالا دیگر از انجمن هشتروند یا نه‌رود سؤال کرده‌اند چه عرض کنم زیرا وقتی که اقرار کردیم این دو محل بی‌جهت رأی

داده‌اند و آرائشان را گرفتیم و لغو کردیم و ایشان باز اکثریت داشته‌اند دیگر شروچیکه اینجا جنابعالی نوشته‌اید و اسباب زحمت برای خودتان فراهم کرده‌اید بی‌فائده است و هشتروند جواب بدهد یا ندهد بهیچوجه فرق نمیکند و ربطی بساینجا ندارد و همینطور که عرض کردم مربوط بانقلاب ایشان نیست و اگر یک نقطه آمدند و از نقطه نظر غفلت حاکم محل یا از نقطه نظر غفلت هشتروندیها و انجمن نظر آنجا در هشتروندیکه جزء تبریز است رأی دادند این دلیل براین نیست که وکیل سراغه انتخاباتش لغواست باید دید این دو دسته و این دوده چه اندازه رأی داده‌اند و این آراء را یا از آنطرف رد کرد یا از این طرف باطل کرد و این قسمت دلیل بطلان سایر آراء نمیشود (آقایان تشریف برده‌اند و اکثریتی نیست پس بنده برای آقای مخبر صحبت میکنم) انجمن هم اینجا مینویسد و در واقع این یک تذکره است مینویسد: بله این قضیه و سایر قضایا از وظائف مجلس مقدس است. و دیگر انجمن هم مثل مخبر محترم آراء را حساب نکرده‌اند و آراء پنجاه و پنج و نوزده را جمع نکرده‌اند و اسنادی در دوسیه هست که انجمن سراغه کاملاً برله سردار ناصر بوده است و دلیل هم دارم و ثابت میکنم که اعضاء انجمن نظر سراغه با سردار ناصر متناسب و طرفدار او بوده‌اند و با آقای مدبرالملک مخالف بوده‌اند و همیشه برای ایشان اشکال تشرافی میکردند و از اینجا از وزارت داخله مکرر مخابراتی شده است که در دوسیه هست و اینها قضایائی است خیلی روشن و خود اینکه اعضاء انجمن که طرفدار سالار ناصر بوده‌اند اعتبارنامه به سهراب‌زاده داده‌اند دلیل براین است که انجمن نظر نتوانسته است جرحی به انتخابات ایشان و اعتراضی به انتخابات چهاراویماق بکند و مطمئن باشید که اگر میتوانستند قبل از بنده و جنابعالی آنها کار خودشانرا کرده بودند و اینکه مینویسد: از وظائف مجلس شورای ملی بوده است همین بود که بنده آمدم اینجا و عرض کردم که قزل‌آباد و مکتو به موجب دفتری که اینجا عدد اساسی تعرفه گیرندگانشان هست و رویهم‌رفته هفتاد و چهار رأی داده‌اند. این هفتاد و چهار رأی را هم بر فرض که ما باطل کنیم و دور بریزیم بالاخره آقای سهراب‌زاده اکثریت دارند و بالاخره ما هم به‌وظیفه‌مان عمل کردیم و دیگر اینکه در اینجا چندین سطر اضافه نموده‌اند که اسباب معطلی شده است مگر اینکه بعد توضیحاتی بدهند که بنده را قانع کنند. رابعاً شکایت می‌دانم که صولت‌السلطنه تمام تعرفه‌ها را بین اشخاص طرفدار خودش توزیع کرده و معدلک برای اینکه اطمینان نداشته که کاملاً موفق به انتخاب مکتون قلبی خود بشود سهر اعضاء انجمن را گرفته و بدست یک نفر از اعضاء انجمن که با دو نفر دیگر حامل آراء صندوق بوده‌اند داده که در بین راه در ب جمعیه را باز و بطور مقصود آراء را تبدیل نمایند اولاً این یک شکایتی است که اسکندر مقدم کرده است و الا بنده براتان پیدا میکنم حالا او یا دیگری که از اتباع او بوده است نوشته است. چون خطوط غالباً یکی هست. بلی این شکایت مفصلی که باسضاء اسکندر مقدم است و این تلگراف هم مربوط به او است و بالاخره سه شکایت راجع به اسکندر مقدم است که یکی عبارت از این شکایتی است که چهل

و پنج مهر دارد و یکی هم پنج یا شش مهر دارد اینها کلیه شکایاتی است که مربوط به آقای سهراب زاده است. همانطور که عرض کردم این شکایاتی است که اسکندر مقدم مینماید و آن این است: حضور محترم انجمن نظار مرکزی در موضوع صندوق چهاراویه اقی کشف اسرار اعضای انجمن در نزد سه نفر عضو حاسلین صندوق آنجا که شرحی روزشنبه بحضور آقایان عرض کرده بودم شرحی هم به مقام حکومت عرض شده بود و جوابیکه رسیده است عین آن لفاً تقدیم گردید مستدعی است عادلانه حکمیت و بیان حقیقت و اظهار عقیده فرمایند. جوابی هم آقای بنی آدم از تبریز بهش میدهد که به انجمن نظار مرکزی مراجعه کند پس این شکایت و این قسمت مربوط به مدعی سهراب زاده که اسکندر مقدم باشد هست و انجمن نظار بواسطه اسراعات زیادی که نسبت به سردار ناصر داشته است اینجا در مقابل اعتراض حکومت سراغه مینویسد (که اینجا موجود است) حکومت سراغه به سردار ناصر مینویسد: که آقا چرا تهدید و تطمیع میکنی و چرا رعایای خودت را وادار به بعضی عملیات میکنی آنوقت انجمن از ایشان دفاع میکند و میگوید خیر سردار ناصر آدم خوبی است و بهیچوجه ایشان تهدید و تطمیع نکرده اند این کاغذهای حکومت است که به اسکندر مقدم نوشته است.

آقای سید یعقوب — حاکم کی بوده است.

بهار — حاکم همین کسی است که اینجا امضاء کرده است: سر باز سلی جوان شیرازی: انجمن میگوید از طرف سردار ناصر بهیچوجه تهدید و تطمیع نشده است (لابد از آشناهای خودتان بوده است) بعد عجیبتر این است که سردار ناصر در مقابل حکومت را تهدید میکند و بعد از دو سه روز راپرت میدهد به انجمن نظار سراغه که شنیده ایم تفنگدارهای حکومت برای دو نفر کاندیدا در موقع نشر اعلان ورقه به مردم میداده اند حکومت هم مینویسد خیر ابدأ همچو چیزی نیست و خلاف عرض کرده اند تحقیقات هم میکنم اگر تفنگدارهای من اسمی از کسی برده اند تنبیهشان میکنیم باز به انجمن نظار مینویسد که خیر حکومت تفنگدارهای خودش را فرستاده و تهدید و تطمیع میکند و اینجا آقایان نظار هم در سطر اول از آقای سردار ناصر دفاع میکنند و میگویند از طرف آقای سردار ناصر بهیچوجه تهدید و تطمیع نشده است بعد میگوید عزیمت آقای حیدرقلیخان پسر حکومت به اطراف صحت دارد لکن الزام مردسرا به انتخاب شخص معین محقق نیست بعد هم از آقای ایالت دفاع میکند که به اصطلاح ایندست آندست کرده شده میگوید که رئیس اجرای حکومت ابدأ مداخله در انتخابات نداشته است تفنگدارهای حکومتی در موقع نشر اعلان بعضی از رعایای دهات را وادار به خلاف قانون مینموده بمحض وصول راپرت به انجمن قدغن و جلوگیری شد. شما در چهاراویماقی اعتراض میکنید به آراء سهراب زاده اگر اعتراضتان راجع به این تفنگدارها و اطراف سراغه بود که ایشان هزار رأی بیشتر ندارند آنوقت ما هم میرفتیم از انجمن میرسیدیم که آیا محقق شد که این تفنگدارهای سلاطین تهدید میکردند یا خیر اگر آنوقت محقق میشد که آنها تهدید و تطمیع کرده اند این آراء

شکایات انبوه متراکمی که زمین و آسمان را بهم دوخته بود شعبه خودش را بی نیاز دیده و حقیقه سیار بودن صندوق چهار اویماقی را مطرح قرارداد اینک اسباب اشکال نبود. مداخلات صولت السلطنه را هم که سند ندارید مدعی طرف است اعتراض مدعی را که بی سند نمی شود مدرک قرارداد و نظر بدلائل معروضه (دلایلی که بنده ردش را عرض کردم) بطلان آراء چهار اویماقی را باتفاق آراء تصدیق نموده اند باتفاق آراء هم نبوده است...

مخبر - بنده تکذیب میکنم.

بهار - آقای معظمی مخالف بودند.

آشتیانی - نبوده است.

بهار - در صورت جلسه تان حاضر است نوشته اند: بنده مخالفم. و در مرحله دوم هم (باز اینجا عجب تر است) نمایندگی آقای اسکندر مقدم (که معلوم نیست کجاست؟ کی است؟) یعنی برادرزاده شجاع الدوله معروف که با کثرت یازده هزار وهشتصد وهفتاد ونه رأی بسمت نمایندگی دوره ششم تقنینیه منتخب شده اند اخذ رأی در شعبه بعمل آمده با کثرت تصویب کرده امضاء فاطمی بنده کار ندارم باینکه آقای سهراب زاده چطور آدمی است یا آن خانواده مرحومه چه اشخاصی هستند کار ندارم و تعجب نمی کنم در یک مجلسی که در روی اصول آزادی تأسیس شده است چرا این شکایات نباید ملاحظه شود و تعجب هم نمی کنم که این آقای سهراب زاده دوره گذشته هم از سراغه وکیل شده اند و ایشان هم در نتیجه عدم صلاحیت بالاخره از بین رفتند و وادار باستعفا شدند و آقای سالارلشگر آمدند به مجلس اینها را هم یادآوری نمیکنم برای اینکه میگویند تاریخ فراموش نمی شود در صورتیکه در ایران زود فراموش میشود همه چیز فراموش میشود و فقط وقت و فرزندی وقت فراموش نمی شود و باقی میماند. بهرحال حالا کار نداریم باینکه او خوبست یا سهراب زاده ولی اگر واقعاً این احساسات شعبه مربوط باین شکایات و مربوط بدوسیه انتخابات بوده است و علل دیگری نبوده است باید تصدیق کنند نمایندگان محترم که شعبه در اینجا بی لطفی کرده است یا اجازه بدهند عرض کنم که یک قدری از انصاف دور شده است زیرا دوسیه هائی در این شعبات دیده آید و می بینید که مملو است از شکایاتی که حقیقه سنگ را مرتعش میکنند و دل آهن را میگدازد معدلک نه در شعبه اثر میکند و نه در پشت تریبون هم اگر کسی بگوید گوش میکنند و میگردد اسباب انتخاباتیکه در سراغه شده است که همه آقایان سطلعند و میدانند که در آنجا قوای نظامی بهیچوجه نبوده است اصلاً اعمال نظر نظامی که این اصل مخالفت بنده با غالب انتخابات بوده در آنجا وجود نداشته است. حاکم محل یک نفر آزادی خواهی است که جزء فاتحین تهران است فاتح آزادی بوده است بالاخره سهراب زاده هم اگر فتوحاتی در عالم آزادی نکرده است لااقل سجاعت کرده تفنگ برداشته است این آدم وکیل بوده است در سراغه با صولت السلطنه ناسی هم دوست بوده است (چنانکه خود بنده هم در منزل او میهمان بودم او هم آدم پیرمردی است) دوره گذشته که وکیل سراغه بوده است حالا هم خودش

کسانش، بستگانش دوندگی کرده اند زحمت کشیده اند مردم هم باو رأی داده اند و بالاخره یک آدمی که وقتی به نسبت انتخابات نگاه کنیم سی بیستم که در تمام حوزه های فرعی و اصلی رأی داشته است در ملک کنده ۷۶ رأی در آنچه که ۱۶۱ رأی در کشاور ۱۶۳ رأی در بیوک بلاغ ۱۱۴ رأی در چهار برج ۴ رأی در سراغه ۱۱۲۹ رأی در میان دواب ۲۵۴ رأی در بناب ۷۴ رأی در صابین قلعه ۲۲۱۲ رأی در حسن آباد در تکان تپه در همه حوزه های انتخابیه رأی داشته اند البته کمهائی هم باو شده است از اینجا دوستان او تلگراف کرده اند تلگراف بحاکم شده است بالاخره اشخاصی که نفوذ سلی داشته اند باو کمک کرده اند برادرش آنجا رفته است دوندگی ها شده است و بالاخره وکیل شده و از آنجا آمده است شما ردش کرده آید شما دوره گذشته که ایشان در سراغه سابقه نداشتند ایشان را رد نکردید بچه انصاف باید یک نفر نمایندگی را از یک حقی محروم کرد پس ناچارم عرض کنم که نظر شعبه محترم راجع بمتن قضایا نبوده است زیرا این دوسیه و این اوراق و شکایاتی که تمام مربوط با سکندر خان مقدم برادرزاده مرحوم صمدخان است این شکایات نمی تواند یک وکیلی را محروم از حق سیاسی و ملی خود کند کسی هم که باین شکایات ترتیب اثر بدهد و بالاخره یک وکیلی را محروم کند آنها هم از نقطه نظر انصاف طرف اعتراض واقع میشود و اگر از نقطه نظر صلاحیت شخص هم نگاه کنیم آقا سیرا ابراهیمخان سهراب زاده بهتر است از اسکندر خان مقدم. از نقطه نظر آزادی و حکومت ملی، ولی البته از نقطه نظر خود او و فامیلش از همه ماها بهتر است» از نقطه نظر ما که اینجا آمده ایم و میخواهیم با قرآن و آزادی زندگی کنیم در نظر ما یک آدمی که در حومه آزادی بیشتر ورزش کرده است و در حکومت ملی بیشتر کار کرده است و یک دوره هم با ما همکاری بوده است این آدم از نقطه نظر صلاحیت شخصی هیچ نسبتی با آقای سردار ناصر ندارد پس ناچاریم که بگوئیم یک مسائل دیگری است که آن مسائل بنده مربوط نیست مکرر بدوستان خودم عرض کردم در سوقی که احساسات محترمشان شدید میشود عجله نباید بکنند در قضایا برای اینکه بعد ممکن است پشیمان بشوند چنانکه بنده باز اگر صلاح بدانند ممکن است استدعا کنم از آقایان و اگر اجازه بدهند پیشنهادی مینویسم بریاست محترم تقدیم میکنم و چون کمیسیون انتخابات از نقطه نظر ارجاع تمام اعتبارنامه های مخالفت شده بآنجا رد شده بنده اختصاص میدهم یک کمیسیون انتخاباتی برای این انتخاب بخصوص برای اینکه حقیقه رد کردن یک وکیل یک چیز ساده و سهلی نیست. مخصوصاً آن اشخاصی که احساسات آنها بیشتر باعث رد یک وکیلی میشود آنها بیشتر حق دارند آقائی ویزرگی کنند و در طول امر و در تکثیر مطالعه کمک بکنند و این مسئله برود در کمیسیون تحقیق و در این عرایض که من کردم و یک فرمایشاتی که آقای مخبر خواهند فرمود و تصور میکنم اقلع کننده هم نباشد رسیدگی کنند و در کمیسیون تحقیق مطالعه و دقت بشود. این صورت مجلس چهاراویماقی است و یک صورت مجلس مرتبی دارد که روز بروز نوشته اند و انتخابات صحیحی بوده است آقایان نمایندگان هم از این خستگیا خلاص بشوند پنج

شش روز دیگر بیاید اینجا البته اکثریت محترم همیشه هست و برقرار است ما هم در اقلیت هستیم ولی بالاخره آن مقدسات اولیه ومطالعات لازمه اگر بشود ویک رأی داده شود از نقطه نظرافکار عمومی بعقیده بنده بهتر است لهذا بنده پیشنهادی تهیه میکنم و تقدیم میکنم وامیدواریم آقایان هم موافقت فرمایند.

رئیس — پیشنهادی رسیده است قرائت میشود .

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که دوسیه انتخابات مراغه فقط به کمسیون تحقیق مراجعه شود ویرای قضاوت بیاید ، میرزا عبدالباقی رئیس — این درحکم تجزیه است وتجزیه دریکموضوع کلی منطبق ندارد ولی بفرمائید توضیح بدهید.

آقامیرزا عبدالباقی — توضیحی ندارم بسته برآی مجلس است فاطمی مخبر شعبه — بنده نه با پیشنهاد آقای ملک مخالف هستم ونه با پیشنهاد ایشان ولی آقای ملک بیاناتی فرمودند که من باید جواب این بیانات ایشان را درمجلس بدهم وچون یکمقدارش داخل در شخصیات شدند وبربوط بشخص خود بنده بود آنهارابنده بعرض مجلس میرسانم بعد هرطورکه مجلس رأی داد البته مطاع است .

رئیس — رأی میگیریم پیشنهاد آقای میرزا عبدالباقی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس — تصویب نشد. آقای مخبر بفرمائید.

مخبر — اولاً آقای ملک قبل از بیاناتشان یک فرمایشات شخصی فرمودند که نفهمیدم این اطلاعات وحقایق از کجا برآقا مکشوف شده بود که در مجلس اظهار بفرمایند ودر حقیقت یک توهینی بود که نسبت بهمه نمایندگان محترم کردند ..

بهار — تحریک نکنید آقا . توهین نبود .

مخبر — چرا توهین بود . فرمودید که یک چهار پنج نفر معدود خودشان بیرون در خارج مجلس مطالب را آنها بین خودشان حل میکنند بعد میآمدند بسایرین تزریق میکنند . بنده جداً این مسأله را تکذیب میکنم بهیچ وجه همچو چهار پنج نفر یا ده پانزده نفر ویست نفری هم وجود ندارد البته فراکسیونهای در مجلس هست ومذاکره میکنند وتصمیم میگیرند ومطالب خودشان را هم خیلی آزادانه میبند اظهار میکنند . این قسمت را بنده کاملاً تکذیب میکنم بعد یک قسمتهای دیگر فرمودند که آقایانی که اعتبارنامه ایشان گذشته است بهتر قضاوت میکنند وقاضی وقتی مستقل شد بهتر قضاوت میکند این راهم بنده تصدیق میکنم که قاضی وقتی مستقل شد بهتر میتواند قضاوت کند ولی بنده شخصاً بشان عرض میکنم که هیچ وقت برای شخص خودم در هیچ وضعیتی تفاوت نمیکند در هر حال عقیده خودم را عرض میکنم هیچ وحشتی هم ندارم ودرین موضوع بخصوص هم نسبت باقای سهرابزاده واین چیزهایی که در ضمن بیانشان فرمودند که خو بست اختیار را بفلانی ندهند شعبه بهمن اختیاری نداده است اصلاً یک قسمت از این مسئله وقتی مطرح شد بنده در شعبه نبودم

ویک دلیل بهتر اینکه روز اولی که اعتبارنامه سهرابزاده در شعبه مطرح شد بنده تنها مدافعه کردم تکوتنها، این آقایان اعضاء شعبه حاضر . صورت مجلس را وقتی قرائت کردند ویک اعتراضاتی کردند که چرا این اعلان در فلان تاریخ نشده سی وشش نفر نبوده من گفتم که این چیزها قابل توجه نیست وحتی این عبارت را بنده گفتم که بنده این انتخابات را صحیح میدانم و یکی از رفقا گفت که مثل سایر انتخابات . پس حملات شخصی که به بنده میکنند هیچ مورد ندارد وشعبه را هم بنده تصور نمیکنم که هیچ شعبه در عالم پیدا شود که بخواهد روی نظر شخصی یک قضاوتی بکند تا چه رسد باین شعبه که بنده قطعاً یقین دارم که شاید هم خیلی میل داشته اند که یک راهائی برای حل قضیه پیدا کنند وباین ترتیب رأی ندهند حالا بنده اول وارد میشوم در راپرتی که خودم داده ام واعراضاتی که آقا فرمودند تا بعد بقیه یادداشتها برسیم . یکی از اعتراضاتی که آقا فرمودند ویک مدتی روی آن حرف زدند راجع بانجمن چهاراویماق بود اولاً این اعتراض شدیدی نبود وراجع باین موضوع هم نگفتم که چون انجمن چهار اویماق میار بوده است باین دلیل شعبه رأی داده خیر باز هم اگر انجمن سیاری در یک نقاطی باشد که فوق العاده با قانون تصادم نکند خود بنده مدافعه خواهم کرد . فقط بنده گفتم انجمن فرعی چهاراویماق سیار است همینطور هم در صورت مجلس نوشته شده اما بانجمن شکایت میشود که چهاراویماق هشت طایفه است که سه طایفه شان تحت ارسوالة السلطنه هستند وپنج طایفه شان از تحت امر ایشان خارج هستند . بلی این راپرتی که من اینجا نوشته ام چندسطر بیشتر نیست ولی چندین صفحه درش مستتر است آقای ملک در ضمن اظهارتشان فرمودند که صولة السلطنه نوعی خیلی هست صولة السلطنه فلان جا فلان کس رأی داده صولة السلطنه فلانجا هم دلش خواسته است بسهرابزاده رأی داده . اینطور نیست اشکال شعبه در همین است خوب بود توجه میکردند که صولت السلطنه کی است . صولت السلطنه یک نفر آدم عادی نبوده بلکه حاکم چهار اویماق بوده است ..

سهرابزاده — خیر نبوده است .

مخبر — شما وقتی میتوانید بمن بگوئید نبوده است که وزارت داخله بمن بنویسد نبوده است من بموجب نوشته وزارت داخله این مطلب را میگویم که صولت السلطنه حاکم چهاراویماق بوده است ممکن است یک عده از آقایانی هم که الان در همین مجلس هستند بدانند بنده که شعبه بازی نمیکنم .

بهار — مداخلاتش را ثابت کنید .

مخبر — من مذاکره بین الاثنین نمیکنم ..

(صدای زنگ رئیس)

مخبر — شعبه اینجا اینطور نوشته است که چهاراویماق هشت طایفه است سه طایفه شان باصولت السلطنه هستند و پنج طایفه شان با دیگران پنج هزار وپانصد وهشتاد ورقه تعرفه به چهار اویماق رفته است از این مقدار پنج هزار وصد وهشتاد تعرفه سه طایفه داده شده است وچهارصدتا به پنج طایفه دیگر . میگویند در

نقطه نظر انتخاب آقای اسکندر خان مقدم است نه راجع به رد کردن سهرابزاده فقط طرف داری من از نقطه نظر رأی شعبه و صحت جریان انتخابات و نمایندگی اسکندر خان مقدم است والا اگر در آن مرحله وارد شدم آنوقت بعضی تلگرافها است که میآورم قرائت میکنم.

سهرابزاده — بیاورید تا ملت بداند چه مجلسی است.

رئیس — (خطاب به سهرابزاده) به شما اخطار میکنم.

مخبر — اینجا آقای ملک فرمودند که ما هیچوقت ندیده بودیم که شعبه بیاید و یک راپورت اعتبارنامه که به او مراجعه شده است بدون اینکه بگوید صحیح یا غلط است بگذارد کنار و یکی دیگر را بیاورد بلی این مسأله نظائر دارد و در کیف بنده موجود است شعبه در دوره چهارم راجع به انتخابات تبریز و صندوق سهندآباد و راجع به رأی که شعبه میدهد. اگر شعبه به ابطال رأی نداده بود دو سه نفر وکیل میشدند از این نظائر باز هم داریم از قبیل پوررضا و اعتبارالدوله حاضر هم چنین سال گذشته شعبه یک با مخبری خود حضرتعالی.

بهار — بنده مخبر نبودم. شما همه اش ادعا میکنید.

مخبر — شما مخبر بودید و راپورت داده اید حالا عرایض دیگری را عرض میکنم تا آن راپورتها را که فرموده اید ادعا است به عرض برسانم. اما راجع به این موضوع بنده از آقایان انصاف میخواهم اگر فردا راجع به انتخابات یک شهر دو وکیللی انتخاباتش تمام شد و انجمن نظار هم به انتخابات خاتمه داد و اعتبارنامه را هم امضاء کرد و بدست آن دونفر وکیل داد و آمدند در مجلس اعتبارنامه شان هم به شعبه رجوع شده و هیچ شکایتی هم از انتخابات آنجا نرسیده اما شعبه در ضمن رسیدگی بدوسیه حساب کرد و گفت آراء شهری هزار تا . آراء شعبه فرعی فلانقدر و همه را روی هم رفته جمع کرده آنوقت دید آن وکیل دومی در عرض اینکه در اعتبارنامه اش نوشته شود چهار هزار رأی دارد نوشته شده است چهار هزار و پانصد رأی. و پانصد تا اشتباه کرده است و یکسوسی دیگری هم هست که چهار هزار و سیصد رأی دارد البته شعبه حق را به آن کس که بیشتر رأی دارد میدهد. ما بعد از آنکه صندوق چهاراویماق را باطل دانستیم آنوقت گفتیم به یقین در این صندوق چه اشخاصی رأی دارند دو هزار و چهارصد و چهل تا عباس میرزا رأی داشت فوری از آراء عباس میرزا موضوع کردیم. چهارصد و چهل رأی هم مقدم داشت آن را هم موضوع کردیم . ۵۵۸ رأی هم سهرابزاده داشت آن را هم موضوع کردیم. آنوقت در نتیجه دیدیم عباس میرزا در درجه اول و اسکندر خان وکیل دوم آنجا است آنوقت شعبه باید چه بکند...

مدرس — باید به انجمن نظار ابلاغ کند.

آشتیانی — انجمن نظاری در کار نیست.

مخبر — این راپورتهای آذربایجان است راجع به دوره چهارم آقای ملک فرمودند اگر راست میگوئید بیاورید حاضر است اگر اجازه میفرمائید یکی اش را بخوانم باقیش را بگذاریم باشد. آراء بعضی ازدهات هشت رود و سهندآباد (همین هشت رود که الان داریم درش حرف میزنیم) که باقیمانده بود اعزام و پس از وصول آراء سهندآباد

آراء آنجا خطوطشان یکی بوده است انجمن هم تصدیق میکند که خطوط آراء یکی است ولی میگوید قانون این حق را از مستفذین محلی سلب نمیکند . اگر صولت السلطنه متنفذ محلی بود که شعبه اشکالی نداشت باوجود اینکه این هم یک اشکالی است ولی صولت السلطنه حاکم ورئیس ایل بوده است . ما اینجا نماینده ایلات خمسسه وسایر جاها هم داریم که حالا تعرفه میدهد ولی سابقاً در دوره دوم وسوم فقط ایلخانی مینوشت که فلان را بنویسد و مینوشتند وکیل هم میآمدشاید خیلی هم خوب بود یکنفر متنفذ اگر در یک نقطه باشد می تواند به خیلیها رأی بدهد، متنفذ بخود من هم رأی داده است. فقط اشکال شعبه در این مسئله است که آیا صولت السلطنه که حاکم آنجا بوده است حق داشته است که خودش اقدام در انتخاب کسی بکند یا خیر؟ پس فرمایشاتی که آقای بهار در اینمورد فرمودند وارد نبود و دلیلی هم که در مقابل داشتیم همان مطلبی بود که عرض کردم و راجع به آراء قورچای و قزل آباد وهشت رود و مکتوم بنده تحقیق کردم به هر حال شعبه از این نظر قضاوت نکرده نظر به اینکه یک نوزده تا و یک پنجاه و پنج تا در دو جا رفته رأی داده اند این آراء باطل است ولی اهم اعتراضات ما اینجا دو موضوع بود یکی موضوع عوض کردن آراء که اعتراض میکنند که صندوق را در بین راه که میآوردند آراء را عوض کرده اند و مهر اعضاء انجمن پیش یکی از سه نفر حاصلین صندوق بوده است انجمن نظار هم پشت همان ورقه تصدیق کرده بودند که مهرها پیش یک نفر بوده ولی برای گرفتن حقوق آورده بودند آقای ملک الشعرا مدتی اینجا بحث کردند که چه ضرر دارد یک حقوقی هم به اعضاء انجمن نظار بدهند.

در این دوره پیشنهاد کنید بعد از این به انجمن نظار حقوق بدهند ولی تا امروز به انجمن نظار هیچ بلوک و هیچ شهری حقوق نمیدادند ولی ممکن است در یک جایی یک حاکم یا یک منتخبی دلش خواسته باشد که به انجمن نظار که سی چهل روز زحمت کشیده اند یک حق الزحمه بدهند دیگر این قبض ندارد که مهرشان را بیاورند لیستی نمیخواستند مهر کنند که دکتر میلیسپو ایراد بگیرد و سند خرج بخواهد. پس بودن مهرها در جیب یکنفر بدون دلیل بود وقتی که ما یقین کردیم که مهرها در جیب یک نفر بوده و از آنطرف هم یقین کردیم که آراء را برده اند وتحویل صولت السلطنه داده اند قبض رسیدش هم اینجا ضبط است بنابراین از یکطرف مداخله کردن صولت السلطنه که حاکم بوده و به هر کس دلش می خواسته است رأی داده و از یک طرف هم تصدیق انجمن است که صندوق را سه نفر از اعضاء انجمن آورده اند و مهر انجمن در جیب یکی از آنها بوده از یک طرف هم چهار پنج هزار ورقه رأی به یک خط بوده باز هم تردید کنیم در اینکه فرمودید شکایات همین پنج فقره است ابدلاً اینطور نیست.

بهار — خیر همین طور است.

مخبر — بنده حالا نمیخواهم وارد مراحل دیگری بشوم.

بهار — ما میخواهیم داخل شویم.

مخبر — بنده از طرف شعبه مأوریت ندارم راجع بسوء جریان

انتخابات آقای سهرابزاده حرف بزنم مسائلی که عرض میکنم از

انجمن به عدم قانونیت آن متوجه شده و به علاوه جمعی هم از اهالی اعتراض کرده بودند. صندوق را که به مهر اعضاء انجمن سمهور بود هیئت اعزاسیه به اداره ایالتی تسلیم و تعیین تکلیف آن را به رأی مجلس شورای ملی سوکول و خاتمه انتخابات را با اساسی سنخین اعلام کمیسیون پس از دقتهای لازمه صحت انتخابات شهر تبریز و توابع آن را تصدیق و با جریانات قانونی مطابقت میدهد و نسبت به صندوق سهندآباد چون مطابق تحقیقات...

(در این موقع صدای فریاد از اطاق تنفس شنیده شد و بعضی از آقایان نمایندگان از محل خود برخاستند و آقای سهراب زاده با حال عصبانی وارد مجلس شده در جای خود نشستند).

بعضی از نمایندگان (با همه هم - این چه وضعی است)...

(صدای زنگ رئیس)

رئیس - رئیس گارد آقا را ببرید حبس کنید.

(در این موقع آقای سهراب زاده برخاستند از پارلمان خارج شدند).

خطیبی - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

خطیبی - حالا معلوم میشود که در خود مجلس هم تهدیداتی میشود این کاغذی است که آقای سهراب زاده به بنده نوشته اند.

رئیس - بدهید به ناطق بخواند.

(فاطمی کاغذ را به شرح ذیل قرائت نمودند)

مرگ پدر از مجلس خارج و بروید منزل بطوری که ملک

گفته است اطاعت خواهد شد سهراب زاده.

بهار - معذایش چیست.

سخنبر - معنایش را همه میدانیم.

بهار - توضیحی دارم راجع به این کاغذ.

رئیس - (خطاب به بهار) آقا بدون اجازه صحبت نکنید.

سخنبر - آقای ملک شرحی اظهار فرمودند از اینکه انجمن

طرفدار سردار ناصر بوده است انجمن طرفدار سردار ناصر نبوده است

و بنده چون خسته شده و حقایق هم آنچه باید گفته شود گفته شده

است همین دوسه کلمه را به عرض میرسانم و میروم. انجمن بهیچوجه

طرفدار سردار ناصر نبوده برای اینکه در سه چهار روز قبل از طرف

وزارت داخله کاغذی به مجلس شورای میرسد. در آن کاغذ خرابی این انتخابات و اعتراضاتی که شده است تصدیق میکند و میگوید ما از ترس اینکه حکومت طرفدار بوده میترسیدیم اعتراضات ما را به شما نرساند. گذاشتیم جوف فلان بسته و آن بسته ایست که این اسهار رویش هست. و آن بسته خیلی قطور را وقتی آوردند اینجا که ما رأی خودمان را داده بودیم و آن بسته در اطاق شعبه توی گنجی گذاشته شده و شاید چندین من وزنش باشد. بنده که نخواندم ممکن است بعد از این آقا بروند بخوانند حالا هم هر چه مجلس رأی بدهد مطاع است.

رئیس - آقای ملک الشعرا (اجازه).

بهار - در اصل موضوع بنده مذاکراتی ندارم و البته آقایان پس از استماع اعتراضات بنده و جوابهای آقای سخنبر خودشان مسائل را حل خواهند کرد در ضمن اینکه اینجا دعوا میکردند و فحش میدادند آقای خطیبی فرمودند سندی در اینجا هست و آقای سخنبر هم فرمودند بلی قضیه معلوم است این را خواستم برای آقایان توضیح بدهم بنده شنیدم که کسان یا اخوان ایشان اینجا آمده اند از نقطه نظر تعصبی که برادر نسبت به برادر دارد به ایشان نصیحتی میکردم که از کسانتان هیچکس به مجلس نیاید و هر کس میآید شما را به بیند برود منزل برای اینکه نیایند اینجا میاهو کنند موضوع این بود حالا ممکن است از این سند عکس بردارید و بزرگ کنید و بچسبانید آنجا (اشاره به بالا) و با هو هم مردم را از مجلس رد کنید.

رئیس - مذاکرات کافی است.

جمعی از نمایندگان - بلی.

رئیس - رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای اسکندر خان

مقدم از سراغه آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. جلسه ختم میشود جلسه آینه روز

شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور بقیه راپورتهای شعب.

(مجلس یک ساعت از ظهر گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

سنشی سنشی نویخت